

A Critical Analysis of the Book *History and Social Theory*

Maryam Eskafi Noghani*

Gholamreza Sedigh Ouraee**

Abstract

The purpose of this article is to evaluate the book “*History and Social Theory*”, translated by Gholamreza Jamshidiha. A general introduction of the work and a brief summary of it is presented after introducing and reviewing the necessity and background in this area. In the next section, formal, content, methodological, and translation evaluation is done. In this article, the original and translated text have been compared together, and its strengths and weaknesses have been extracted. The results showed that this book has many positive characteristics. The content of the book is compatible with basic assumptions because logically, the author has shown that history is part of sociology and sociology is part of the social sciences, so it can be concluded, like the author, that history is also part of the social sciences and is not inconsistent with Islamic values and religious principles. In terms of the volume of materials, information and knowledge transmitted, students and beginners unfamiliar with these sciences can make a lot of historical use of this book. Therefore, this book can be suggested as a source of tuition and utilization of its reliable resources for undergraduate and postgraduate students in the fields of sociology and history. The existence of more than 600 valuable historical and sociological sources in the bibliography is another very valuable point in this book. Also, the smooth and short translation of the heavy text and the main thaqil (regardless of its objection) is another strength of this book. However, the book does not match the latest headlines approved by the Ministry of

* Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Gonabad, Iran (Corresponding Author),
meskafi@yahoo.com

** Assistant Professor of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran,
Sedighourae@um.ac.ir

Date received: 2020-08-19, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Science, Research and Technology as the main book in the teaching of academic courses and is educational assistance book. The lack of result at the end of each chapter keeps the reader confused. Logical coherence is very weak in the content of each chapter and between the contents of different seasons. Eliminating some of the bugs in translation, editorial and editorial defects can add to the richness of work. Intra-modal corrections, especially for reader's easier access to resources and to the day-to-day source of work, are fundamental issues that hope to be corrected in the next edition.

Keywords: Critical Analysis; History; Social Theory



تحلیلی نقادانه بر کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی

مریم اسکافی نوغانی*

غلامرضا صدیق اورعی**

چکیده

هدف این مقاله، ارزیابی کتاب «تاریخ و نظریه اجتماعی» است که توسط غلامرضا جمشیدیها ترجمه شده است. این ارزیابی از نظر شکلی، محتوایی، روش‌شناختی و نیز ترجمه انجام شده است. در این مقاله متن اصلی در تقابل با متن ترجمه قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن هم در متن اصلی هم در نسخه ترجمه شده استخراج شده است. نتایج نشان داد این کتاب، ویژگیهای مثبت زیادی دارد. محتوای کتاب سازگاری مناسبی با پیش‌فرضهای اساسی دارد، زیرا به لحاظ منطقی نویسنده نشان داده است که تاریخ، بخشی از جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی است پس می‌توان مانند نویسنده نتیجه گرفت که تاریخ نیز بخشی از علوم اجتماعی است و همچنین مغایرتی با ارزشهای اسلامی و اصول دینی ندارد. از نظر حجم مطالب و اطلاعات و دانش منتقل شده، دانشجویان و افراد مبتدی ناآشنا با این علوم می‌توانند استفاده‌های تاریخی زیادی از این کتاب داشته باشند. از این جهت این کتاب می‌تواند به عنوان منبع کمک‌درسی و بهره‌گیری از منابع معتبر آن برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های تحصیلی جامعه‌شناسی و تاریخ پیشنهاد شود. وجود بیش از ۶۰۰ منبع ارزشمند تاریخی و جامعه‌شناسی در کتابشناسی از نکات بسیار ارزشمند دیگر در این کتاب است. همچنین ترجمه روان و کوتاه نسبت به متن سنگین و ثقیل اصلی (صرفنظر از ایرادات آن) نکته قوت دیگر این کتاب است. با این حال، این کتاب با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت

* استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، گناباد، ایران (نویسنده مسئول)،
meskafi@yahoo.com

** استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، Sedighourae@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

علوم، تحقیقات و فن‌آوری به عنوان کتاب اصلی در تدریس دروس دانشگاهی مطابقت ندارد و کتاب جانبی و کمک‌درسی شمرده می‌شود و نمی‌توان از آن به عنوان کتاب درسی استفاده کرد. نبود نتیجه در پایان هر فصل خواننده را سردرگم نگه می‌دارد. انسجام منطقی در مطالب درون هر فصل و بین مطالب فصول مختلف بسیار ضعیف است. رفع برخی از ایرادات در ترجمه، ایرادات ویرایشی و نگارشی، می‌تواند به غنای کار بیافزاید. اصلاحات درون‌متنی مخصوصاً برای دسترسی راحت‌تر خواننده به منابع و به روزبودن منبع‌دهی از ایرادات اساسی کار است که امید است در چاپ بعدی اصلاح گردد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل نقادانه، تاریخ، نظریه اجتماعی

۱ مقدمه

در این کتاب نویسنده قصد دارد از رابطه نزدیک دو حوزه معرفتی، یعنی علم تاریخ و جامعه‌شناسی سخن بگوید. «مفهوم نظریه اجتماعی نزد برک، مفهومی بسیار گسترده و فراگیر است و صرفاً به علوم اجتماعی و یا جامعه‌شناسی محدود نمی‌گردد، بلکه طیف وسیع و متنوعی از رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی مرتبط با نظریه‌پردازی، مفهوم‌سازی، دستگاه‌های نظری و جهان فکری را دربرمی‌گیرد. در گذشته، اندیشه حاکم بر مناسبات میان رشته‌های مختلف دانش، وحدت کلیه رشته‌ها معارف بشری، بود. بر این اساس، تقسیم‌بندی رشته‌های مختلف علوم نیز در قالب «تقسیم‌بندی درختی» وجود داشت. در هر زمانی یکی از علوم، «ریشه یا مادر همه علوم» محسوب می‌شد. این روند همچنان تا سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی تداوم یافت. پس از آن ضرورت تقسیم‌کار میان شاخه‌های مختلف و تخصصی‌شدن علوم، جای وحدت علوم را گرفت.

کتاب پیتر برک «تاریخ و نظریه اجتماعی» در راستای تحقق همین هدف تدوین شده است. وی در فصل اول ضمن تأکید بر ضرورت همگرایی و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی به اهمیت حیاتی آن در بسط و گسترش این دو حوزه مهم از دانش بشری اشاره می‌کند. پارادایم نظری تحلیلی مورد استفاده برک در نگارش کتاب حاضر بر مبنای بررسی نظری و تحلیل و تبیین ساختاری-کارکردی، فرایند پرفراز و نشیب رابطه تاریخ با نظریه اجتماعی "به‌طور اخص" و "علوم اجتماعی" به‌طور اعم استوار است (برک، ۱۳۹۴: ۱۸). برک ضمن اشاره به سابقه و زمینه بحث‌های مربوط به رابطه تاریخ و علوم اجتماعی به بررسی روند دوری و نزدیکی این دو حوزه مهم از قرن هجدهم به بعد پرداخته و با اشاره به موارد

اختلاف و عنادورزی‌های کارورزان این دو حوزه بر ضرورت همکاری بین آن‌ها و فواید و دستاوردهای این همگرایی برای هر دو حوزه تأکید می‌ورزد (برک، ۱۳۹۴: ۱۹) و قصد دارد در این کتاب به دو پرسش اصلی خود یعنی، فایده‌ی نظریه‌ی اجتماعی برای مورخان و فایده‌ی تاریخ برای نظریه‌پردازان اجتماعی پاسخ دهد.

۲. معرفی کتاب

کتاب «تاریخ و نظریه اجتماعی» نوشته «پیتر برک»، استاد دانشگاه ساسکس در انگلستان، در نیویورک در ایپاکا توسط انتشارات دانشگاه کورنل در سال ۱۹۹۲ انتشار یافت و ویرایش دوم آن در سال ۱۹۹۳ توسط همین انتشارات منتشر شد که نگارنده به متن انگلیسی آن دسترسی یافته است. غلامرضا جمشیدیها این کتاب را برای اولین بار در سال ۱۳۸۱ ترجمه نموده است که تا کنون دو بار به چاپ رسیده است، چاپ دوم آن در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات دانشگاه منتشر شده است که در اینجا نقد می‌شود. این کتاب شامل ۲ صفحه فهرست مطالب، ۲ صفحه مقدمه‌ی مترجم، ۵ فصل، ۲۵ صفحه منابع و ۱۰ صفحه نمایه است. این کتاب در قطع وزیری چاپ شده است. متن اصلی کتاب از شروع فصل اول تا قبل از منابع پایان متن شامل ۱۷۹ صفحه است و روی هم‌رفته با منابع معرفی شده در پایان هر فصل ۲۰۹ صفحه را دربرمی‌گیرد. با محاسبه کتابشناسی و نمایه، جمعاً ۲۳۸ صفحه است. این تعداد صفحه برای یک کتاب، برای مطالعه مناسب است.

در چهار فصل اول، چگونگی رابطه بین علم تاریخ و جامعه‌شناسی و وجوه مشترک آنها بررسی شده است. در فصل پنجم نقاط قوت و ضعف دو مدل نظری مارکس و اسپنسر بررسی و مدل تئوریک سومی ارائه شده است. انگیزه اصلی مترجم، علاقه به جامعه‌شناسی و تاریخ و نبود منبع مستقلی در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی بوده است.

پیتر برک، استاد کرسی «تاریخ فرهنگی» دانشگاه کمبریج و عضو هیئت علمی کالج امانوئل است. او در یک خانواده با یک مادریهود و پدرکاتولیک رومی در سال ۱۹۳۷ در ایالت استانمور در انگلستان متولد شد. در کالج جان در آکسفورد تحصیل کرد و در کالج آنتونی آکسفورد نامزد دکترا بود. از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹، عضو دانشکده مطالعات اروپایی در دانشگاه ساسکس شد؛ جایی که عنوان استاد افتخاری، استاد تاریخ فرهنگ را دارد. برای برک به عنوان یک مورخ نه تنها در دوران اولیه مدرن جشن گرفته شد، بلکه او کسی است که بر اهمیت تاریخ اجتماعی و فرهنگی تا مسائل مدرن تأکید دارد. او با لوسیا پالارس برک

مورخ برزیلی ازدواج کرده است. اکثر آثار برجسته وی در زمینه تاریخ، تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی، تاریخ رنسانس، جامعه‌شناسی تاریخی و معرفی مکتب آنال است و تألیفات بی‌شماری در باب تاریخ فرهنگی و اجتماعی اروپا، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی تاریخی و... دارد. کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی که در مقاله حاضر معرفی شده است به اذعان منتقدان اثری است بسیار ژرف و ماندگار که تحلیل‌های آن تابع نسبیّت زمانی مکانی نبوده و می‌توان از آن‌ها در تبیین پدیده‌ها و مقولات تاریخی و اجتماعی مختلف و متفاوت سود جست. از این رو به راحتی می‌توان سیر انسجام فکری را دنبال کرد. به همین دلیل طیف وسیعی از اساتید، دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی می‌توانند از آثار وی به‌منزله ابزار تحلیلی مناسب استفاده کنند.

۳. ارزیابی شکلی

از نظر جامعیت صوری، باید گفت که، پیشگفتار مؤلف، سه صفحه است که متأسفانه ترجمه نشده است. در این پیشگفتار به طور مفصل توضیح داده شده که نگارش این کتاب چگونه شروع و ادامه یافته است. به جای پیشگفتار، مقدمه مترجم در آغاز کتاب آمده است. هدف اصلی نویسنده به طور صریح بیان شده است و در شروع هر فصل مقدمه‌ای کوتاه در باب محتوای آن فصل آمده است البته تیتري با عنوان مقدمه در هر فصل وجود ندارد، اما از شروع فصل تا شروع تیتري اول درون هر فصل مقدمه آورده شده است. کتاب مذکور دارای فهرست تفصیلی است که بسیار جامع و خوب است و اما دارای هیچ گونه تصویر، جدول، نقشه یا نمودار نیست؛ در بسیاری صفحات می‌توانست از این ابزار هم برای سهولت فهم و جذابیت کتاب استفاده نماید، از آنجا که این کتاب با هدف کتاب درسی نوشته نشده است اهداف درسی و خلاصه فصول یا خلاصه کلی (جمع‌بندی) و همچنین تمرین و آزمون نیز ندارد. تنها در فصل آخر تیتري با عنوان «نتایج» دارد که در واقع نتایج تیتري قبلی است، اما به طور جداگانه نتیجه‌گیری یا پیشنهادی برای هر فصل در کتاب مشاهده نمی‌شود.

نمایه متن انگلیسی در پایان کتاب شامل ۱۰ صفحه است که، در ترجمه نادیده گرفته شده است، امید است مترجم محترم نمایه انگلیسی را در کنار ترجمه فارسی در ویرایش جدید اضافه کند تا، هم دقت کار بهتر شود، هم خواننده بدانند هر کلمه‌ای با چه معنایی آورده شده است، هم امانتداری بیشتری در ترجمه رعایت شود. مترجم محترم فقط در پایان هر فصل، برای دقت و استفاده بیشتر خوانندگان، معادل انگلیسی واژه‌ها را با شماره‌های

انگلیسی درون متن آورده است که در متن کتاب این شماره‌ها در پاورقی آمده است نه پایان هر فصل. این شماره‌های انگلیسی در واقع، منابع درون‌متنی را تشکیل می‌دهند که امید است مترجم نیز در ویرایش جدید، به جای شماره‌زدن در متن و آوردن منابع در پایان فصل، هر منبع را در جای خود معرفی نماید که خواننده به سختی نیفتد. اما خوشبختانه منابع اصلی در پایان کتاب به طور کامل و بدون غلط املائی آورده شده است. از نظر کیفیت چاپی، کتاب از حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی خوبی برخوردار است. قطع کتاب (وزیری) خوب است و طرح جلد آن مناسب با عنوان کتاب است. اما برخی اغلاط چاپی دارد که بهتر است در ویرایش بعدی رفع گردد. از نظر رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش نکات زیر وجود دارد:

الف- برای برخی اسامی یا عبارات و مفاهیم، معادلی در پاورقی داده نشده است، مانند نام انگلیسی لئوپولدفن رانکه در صفحه ۱۱ کتاب و موارد متعدد دیگر (نگارنده برای نوشتن نام اصلی آنها در پاورقی، به متن اصلی مراجعه نموده است).

ب- برخی معادلها در حروف کوچک و بزرگ، نسبت به کل متن یکدست نیست.

ج- از جهت نگارشی نیز در مواردی اغلاط تایی در انگلیسی وجود دارد. همینطور در نگارش فارسی اثر اشکالات بسیاری دارد و به هنگام مطالعه اثر بارها این حس پیدا می‌شد که جمله باید ویرایش شود تا روان شود، در مواردی نیز عبارت مؤلف دارای ابهام است، مانند پاراگراف سوم از صفحه ۱۳: «برخی از مورخان به دلیلی دیگر که مخالف دلیل اول بود، جامعه‌شناسی را رد کردند» اینجا مشخص نیست دلیل اول کدام است.

د- برخی واژه‌ها، به جای پاورقی، در متن، داخل پرانتز و به جای ترجمه فارسی، به انگلیسی آورده شده است. یک نمونه از هر سه مورد اخیر صفحه ۱۴ سطر اول است، «از جمله تاریخ که در آن هدف، فهم از درون (versteben)»، بجای پاورقی، در متن و به طور انگلیسی با غلط تایی آورده شده است. صحیح آن، verstehen است.

ه- پاراگراف‌بندی در همه جا، طبق متن اصلی رعایت نشده است، از جمله، در صفحه ۲۲ کتاب که دو پاراگراف انتهایی را از هم جدا نموده است، در متن اصلی جدا از هم نیستند و با توجه به معنای متن هم بهتر بود در یک پاراگراف قرار می‌گرفتند. و صفحه ۲۴ که پاراگراف اول که ادامه صفحه قبل است آخرین پاراگراف این تیتراژ نبوده و دو پاراگراف بعد از آن باید وجود می‌داشت که در ترجمه این سه پاراگراف آخر از تیتراژ «ظهور تاریخ اجتماعی» با هم ترجمه شده‌اند. البته چون از نظر معنایی بسیار به هم نزدیک هستند لطمه-

ای به معنا وارد نکرده است. در صفحه ۲۶ و ۲۷ متن ترجمه شده که پاراگراف پایانی صفحه ۲۶ در کنار پاراگراف بعدی در صفحه بعد آمده است. جمله آخر و ناتمام این صفحه، در واقع جمله اول از پاراگراف بعدی باید باشد. دو پاراگراف اول از صفحه دوم زیرتیر مقایسه باید از هم جدا باشند که مترجم آنها را با هم یکی کرده است. البته خللی در معنا وارد نشده است. از این قبیل موارد متعدد زیادی مشاهده شده است.

د- در کل محتوای مطالب کتاب از نظر رسا و روان بودن مطالب، ضعیف است و جملات نیاز به ویرایش اساسی، جدی و تخصصی دارد.

۴. ارزیابی محتوایی

با توجه به مؤلفه‌های ده‌گانه امتیازات و کاستی‌های اثر حاضر به شرح زیر است:

الف- در ترتیب قرارگرفتن مطالب بین فصول پراکندگی زیادی و انسجام کمی مشهود است. نمونه‌ای از ضعف تسلسل منطقی بین مطالب به این شرح است:

در اول فصل پنجم آمده است: «در فصول پیشین رویکردهای خاص کارکردگرایی و ساخت‌گرایی، به دلیل آنکه نمی‌توانند تغییر اجتماعی را تبیین کنند، مورد انتقاد واقع شدند» در حالی که اولاً مبحث تغییر اجتماعی، در فصل پنجم مطرح شده است و اگر هم انتقادی به برخی نظریه‌ها در این باره وجود داشته باشد، باید در همین فصل و در جای خود مطرح شود، نه در فصل قبل از آن. ثانیاً در فصل قبل مسائلی اساسی مطرح شده است که در آن اولین تضاد را تضاد بین کارکرد، ساخت و کنشگر دانسته است (به عبارت دیگر تضاد بین ساختار و عاملیت)، نه ناتوانی نظریات کارکردگرایی و ساختارگرایی در تبیین تغییر، ثالثاً در فصل چهارم، به همان تضادها یا بدون پاسخ است و یا پاسخ شایسته‌ای ندارد. به علاوه در فصل چهارم، نظریه کارکردگرایی و ساختارگرایی در زیرتیر «کارکرد» و «ساخت» مطرح شده است، در حالیکه مفاهیم اساسی قبلاً در فصل سوم بیان شده است؛ از طرفی در فصل دوم، در بسیاری از موارد تعریف مشخصی از مفاهیم داده نشده است و خواننده را در سردرگمی نگه می‌دارد.

در ترتیب قرارگرفتن مطالب درون هر فصل، پراکندگی وجود دارد و انسجام مطالب اندک است. در صورتی که گزاره‌های کتاب به شکل منطقی به دنبال هم قرارگیرد، این مشکلات به وضوح آشکار خواهد شد؛ که عمدتاً بر عهده مؤلف است تا مترجم. اما مترجم می‌تواند و حق دارد این کار را برای سهولت فهم خواننده، انجام دهد. در بسیاری موارد تنها

با جابجایی جملات می توان فهم و تسلسل مطالب را به طور منطقی حفظ کرد و محتوا را وزین نمود که انجام نشده است. به طور نمونه در فصل چهارم اولاً بهتر بود عناوین براساس همان تضادهای سه گانه نامبرده شده متمرکز می شد. ثانیاً عنوان روانشناسی در این فصل، لزومی ندارد. ثالثاً در محتوای هر عنوان جزئی، تضاد عنوان شده در مقدمه به درستی واضح و بررسی نشده است. رابعاً به جای بررسی تضادهای عنوان شده در این فصل، مثلاً در زیرعنوان کارکرد، نقش و فایده کارکرد و معنای آن در بین مورخان و جامعه شناسان مطرح شده است نه تضاد بین کارکرد و کنشگران.

ب- با توجه به تاریخی بودن مطالب عمده کتاب، نویسنده، منابع بسیار قدیمی حداقل حدود ۱۰۰ سال پیش، از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۹۱ را مطالعه کرده است و چون چاپ اول و دوم آن در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ بوده است اقلماً ۱۰ منبع از میان فهرست منابع، مربوط به سالهای ۱۹۹۰، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ است که از نظر نبودن و اعتبار منابع نیز تا حدی از ویژگی روزآمدی برخوردار است. مرور منابع پایانی نشان می دهد که در رشته های مختلف در علوم انسانی و اجتماعی از منابع متعدد و مشهوری استفاده شده است. ۲۵ صفحه از کتاب با بیش از ۵۰۰ عنوان به منابع اختصاص دارد و مشخص است که اکثر منابع تاریخی بررسی شده است. بسیاری از این منابع ارزشمند و معتبر علمی، به زبان فرانسوی بوده که از نسخه ترجمه شده انگلیسی آنها استفاده شده است. در کل به نظر می رسد کیفیت رعایت امانت در منابع در متن ترجمه شده تا حد امکان رعایت شده است. همچنین، به نظر می رسد نویسنده ارزشهای خود را دخالت نداده است و بی طرفانه به انتقادات مطرح شده در هر دو رشته پرداخته است. صفحه ۸ پاراگراف انتهای صفحه و ادامه ی آن در صفحه ۹ یکی از این نمونه هاست.

د- اثر حاضر از چند جنبه دارای خلاقیت و نوآوری است:

اول: از نظر حجم مطالب و اطلاعات و دانش منتقل شده، دارای نوآوری ویژه ای است. نویسنده با زیرکی خاصی، توانسته است با نام بردن نظریه پردازان مختلف در رشته های مختلف با آثار متعدد تاریخی، جذابیت خاصی برای خواننده ایجاد نماید. به طور مثال در صفحه ۱۰، فیلسوفان اخلاق اسکاتلندی، فرگوسن و میلر، در صفحه ۱۱ گیون و اثر مشهور وی درباره انحطاط و سقوط امپراتوری را معرفی می نماید. همچنین در صفحه ۱۳ به معرفی رساله بوکهارت، فوستل دوکولانژ، انقلاب تاریخی رانکه و همچنین به معرفی جغرافیادانانی مثل راتزل و روانشناسانی همچون وونت در صفحه ۱۵ پرداخته است.

دوم: نویسنده با ابتکار خاصی توانسته است برخی انتقادات را از نظریه‌پردازان مشهور در علوم مختلف از جمله جامعه‌شناسی بیاورد که در شناخت بیشتر شخصیت آنها به خواننده‌ای که با آثار علمی آنان تا حدی آشنا بوده است کمک می‌کند و دانستن اینها برای او جالب است.

سوم: در بسیاری موارد، ذهن خواننده را با پرسیدن سؤال مشغول حس کنجکاوی او را تقویت کرده است تا به دنبال پاسخ سؤال، متن را دنبال نماید و در پایان، سؤالات ذهنی بسیاری برای وی ایجاد می‌گردد.

با توجه به اینکه این اثر به دنبال بررسی جامعه‌شناسی تاریخی و یا نزدیک‌کردن دو حوزه معرفتی تاریخ و جامعه‌شناسی بوده است، اتفاقاً نیاز به منابع قدیمی و کهنه از مزایای آن محسوب می‌شود اما نگاهی به فهرست منابع نشان داد که اقلماً ۱۰ منبع از میان فهرست منابع، مربوط به سالهای ۱۹۹۰، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ است که با توجه به موضوع کتاب کفایت می‌کند.

ه- از نظر میزان انطباق و جامعیت اثر، نویسنده توانسته است به طور کلی محتوای کتاب را با عنوان کتاب به خوبی انطباق دهد، اما برخی اطلاعات جانبی نیز در این کتاب مشاهده می‌شود که در برخی موارد با عناوین جزئی در فصل‌ها همخوانی کامل ندارد. به طور نمونه در فصل چهارم از سه دسته تضاد فکری نام برده شده ولی به جای بررسی این سه تضاد تعاریفی از مفاهیم اصلی مانند کارکرد، ساخت و غیره آمده است و هیچکدام از سه تضاد به روشنی بیان نشده است.

این کتاب، کتاب فرعی برای یک یا دو درس شمرده می‌شود و نه بیشتر. با توجه به اینکه کتابهای مرتبط با جامعه‌شناسی تاریخی محدود است، این کتاب منبع و راهنمای خوبی برای دانشجویان مبتدی سطح کارشناسی خواهد بود که می‌خواهند رابطه علم تاریخ را با علوم دیگر اجتماعی بدانند. زیرا در کل متن می‌توان تاریخچه جامع و کاملی از دوره و گذار تاریخی و مجاورت بین دو علم تاریخ و علوم اجتماعی دیگر مانند انسانشناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، فلسفه، روانشناسی و سیاست را یافت که اطلاعات جالب و کاملی برای خواننده مبتدی محسوب می‌گردد. نوذری (۱۳۸۱) در این باره چنین گفته است: «یکی از مهم‌ترین و معتبرترین آثاری که در سالهای اخیر در رابطه با علوم بین‌رشته‌ای به رشته تحریر درآمده و در سطحی بسیار وسیع و گسترده، بحثها و بررسیهای جامع و مشبعی در خصوص ضرورت همگرایی تاریخ و علوم اجتماعی، با

تأکید بر ماهیت یا سرشت بین‌رشته‌ای علوم، صورت داده است، کتابی است از پیتربرک نظریه‌پرداز اجتماعی و استاد کرسی تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی تحت عنوان «تاریخ و نظریه اجتماعی» (نوذری، ۱۳۸۱: ۱۲). اما این کتاب برای هیچ عنوان درسی، به عنوان کتاب درسی و اصلی مناسب نیست و کتاب جانبی شمرده می‌شود. زیرا طبق سرفصلهای دانشگاهی نیست و از نظم منطقی و وضوح لازم در ترجمه و پاسخ به سؤالات ذهنی خواننده، برخوردار نیست.

و- در بحث از به کارگیری ابزارهای علمی مانند طرح بحث مقدماتی، نتیجه و جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، و ابزارهای دیگر ذکر شده در مؤلفه‌های جامعیت صوری، نویسنده تنها به طرح بحث مقدماتی پرداخته است و در مواردی محدود به جمع‌بندی نهایی آن هم به صورت بسیار کلی (مثلاً در انتهای کتاب) پرداخته است. اگر در انتهای هر فصل، جمع‌بندی نهایی مطرح می‌شد بسیاری از سؤالات ذهنی ایجاد شده در ذهن خوانندگان پاسخ گفته می‌شد. البته این مورد به مؤلف برمی‌گردد نه مترجم. هرچند مترجم می‌تواند به عنوان تکمیل‌کننده‌ی کتاب این مطالب را به آن بیافزاید.

ز- این کتاب از حیث دقت در استفاده از اصطلاحات تخصصی متوسط است. نمونه‌های ایرادات آن در بخش نقد ترجمه آمده است.

ح- در مباحث مختلف کتاب، مغایرتی با فرهنگ و ارزشهای اسلامی مشاهده نشد. اما مباحث کتاب طوری است که نسبتی با فضای جامعه اسلامی ندارد تا بتواند به نیازهای علمی یا کاربردی در این فضا پاسخگو باشد.

۵. ارزیابی روش شناختی

الف- به نظر می‌رسد، در این کتاب از روش مقایسه‌ای استفاده شده است که از بهترین روش‌ها در مطالعات تاریخی است. به عنوان مثال در فصل آخر برای مقایسه، از شش تکننگاری استفاده کرده است. استفاده بجا و بسیار مفصل نویسنده از این روش، اثر وی را بسیار ارزشمند کرده است.

ب- مهمترین نکته در بررسی هر کتابی این است که مؤلف چقدر توانسته است به سؤالات مطرح شده پاسخ گوید. نویسنده در این زمینه موفق عمل کرده است، به طوریکه با خواندن محتوای این کتاب می‌توان نتیجه گرفت که، تاریخ نه تنها به جامعه‌شناسی نزدیک است، بلکه با علوم اجتماعی از جمله انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ،

روانشناسی و سیاست نیز بسیار نزدیک است. چنانکه از محتوای کلی کتاب برمی‌آید، نظریه‌پردازان در دو علم تاریخ و جامعه‌شناسی، در موارد متعددی، از مفاهیم، مدلها و روشهای یکدیگر استفاده می‌کنند، فقط مورخین نمی‌خواهند به صراحت بپذیرند که از مدل‌های علوم اجتماعی دیگر استفاده نموده‌اند. مؤلف، نزدیکی این دو رشته را با مثالهای متعدد و مختلفی به روشنی، آشکار نموده است. بنابراین از نظر رسیدن به اهداف اصلی اولیه، کتاب موفق به شمار می‌آید.

ب- برای اینکه مشخص شود محتوای علمی کتاب با پیش‌فرض‌های مطرح‌شده سازواری دارد نیاز است که اطلاعات کتاب را با رعایت اصول منطقی بررسی نمود. می‌توان گزاره‌های دو مقدمه اول و دوم را در آن یافت و سپس به نتیجه رسید. در این کتاب، نویسنده اول با نمونه‌ها و شواهد متعدد نشان داده است که تاریخ بخشی از جامعه‌شناسی است و در موارد متعدد بسیاری نیز نشان داده است که جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی است. پس بدیهی است که باید نتیجه بگیرد: پس تاریخ هم بخشی از علوم اجتماعی است. این اتفاق به خوبی در این کتاب افتاده است.

ج- از حیث نوع مطالب ارائه شده، مثالهای بسیاری در هر قسمت به عنوان شواهد با سند معتبر ذکر شده تا حدی که بتواند خواننده‌ی سختگیرِ بادقت را نیز راضی نماید تا ادعای مطرح شده را بپذیرد. همچنین با استفاده از منابع تاریخی قدیمی، و در قالب مثالهای متعدد به معرفی نظریه‌پردازان مشهور علوم اجتماعی و آثار بارز آنها پرداخته است. در مقدمه تمام فصول این موضوع اتفاق افتاده است.

۶. ارزیابی ترجمه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با اینکه در متن اصلی از اصطلاحات، واژه‌های بسیار سنگینی و جملات طولانی زیادی استفاده شده است، برگردان این متن بسیار ماهرانه و شیوا، در قالب جملات کوتاه و ساده، انجام شده است و از این نظر اثر ارزشمندی است. مخصوصاً در مقایسه این نسخه با نسخه ترجمه شده دیگر، این نکته بسیار مشهود است. این کتاب، توسط حسینعلی نوذری نیز در ۴۱۵ صفحه ترجمه شده است که مترجم مطالب اضافی زیادی به متن اصلی اضافه کرده است. تنها تفاوت یا مزیت این نسخه بر نسخه حاضر این است که پیشگفتار نویسنده توسط نوذری ترجمه شده است ولی در نسخه ترجمه جمشیدیهها ترجمه نشده است. یکی از دلایل اضافه‌شدن صفحات نسخه ترجمه شده توسط نوذری این است که در تمام کل

ترجمه که جمشیدیهها با ظرافت و دقت خاصی تلاش کرده است بسیار روان و ساده ترجمه کند، نوذری ترجمه را طولانی، پیچیده و خسته‌کننده کرده است. در هر حال به نظر می‌رسد با ترجمه روان و ساده جمشیدیهها لزومی به ترجمه دوباره این کتاب با این شکل دیده نمی‌شود. با این حال نکاتی زیر در ترجمه حاضر مشاهده شد که رفع آنها در نسخه‌های بعدی به غنای کار خواهد افزود:

الف- در تطبیق متن انگلیسی با ترجمه حاضر، مشخص شد که این کتاب شامل یک پیشگفتار و پنج فصل است. و فصل بندی و تیتربندی در ترجمه، کاملاً منطبق با متن اصلی است. اما در پاراگراف بندی اختلاف زیادی بین متن اصلی و ترجمه وجود دارد. به طور مثال صفحه ۷۴ کتاب سطر دوم باید از پاراگراف بعدی شروع شود درحالیکه در ترجمه به پاراگراف از صفحه قبل وصل شده است. صفحه ۷۹ پاراگراف آخر در واقع دو پاراگراف در متن اصلی است که در یک پاراگراف آمده‌اند. صفحه ۸۸ نیز چند سطر اول در دو پاراگراف جداگانه در متن اصلی آمده‌اند که در ترجمه در یک پاراگراف هستند. در پاراگراف دوم این صفحه نیز دو پاراگراف در متن اصلی در یک پاراگراف آمده‌اند. همینطور در صفحه ۱۰۸ پاراگراف سوم در واقع در متن اصلی دو پاراگراف جداست که در ترجمه با هم یکی شده‌اند.

ب- از نظر درست‌نویسی و ویرایش ایرادات زیادی در متن ترجمه وجود دارد که خوب است در چاپ بعدی رعایت شود. مانند استفاده از واژه «مورد» در بسیاری از صفحات و سطور. از جمله صفحه ۱۰۹، سطر سوم «سازمان‌های رسمی برای مدت طولانی توسط جامعه‌شناسان و مورخان مورد مطالعه واقع شده‌اند». استفاده از این واژه هم جمله را طولانی‌تر و در نتیجه فهم آن را دشوارتر می‌سازد هم درست‌نویسی رعایت نشده است. مترجم می‌توانست به راحتی بنویسد «توسط جامعه‌شناسان و مورخان مطالعه شده‌اند» در صفحات زیادی به این شکل از واژه «مورد» استفاده شده است.

از نظر سلیس و روان بودن ترجمه باید گفت در حد خوبی است و ابهام کمی در فهم جملات وجود دارد و مترجم به خوبی از عهده این کار برآمده است.

ج- به نظر می‌رسد نسخه ترجمه شده، از نظر ترجمه، کمی ضعیف است. چند نمونه به عنوان مثال اینجا مطرح می‌شود. در صفحه اول در فصل اول، سطر سوم در ترجمه جمله‌ای (because the formulation hides certain important distinction) چنین آمده است، «چرا که نحوه بیان سؤال برخی از تمایزهای مهم را پنهان می‌دارد. در حالی که در متن اصلی کلمه‌ای

معادل «برخی» نیامده است، یعنی در واقع طرح این سؤال به ظاهر ساده برخی تمایزات مهم را پنهان نمی‌کند بلکه همه تمایزات مهم را پنهان می‌کند؛ در حالیکه در متن ادعا شده است که برخی تمایزات مهم را پنهان می‌کند. در صفحه دوم از متن اصلی پاراگراف سوم از تیتیر «محاورة شنوایان» ترجمه بخش کوچکی از جمله صحیح نیست. در صفحه ۸ کتاب چنین ترجمه شده است: «هرگاه نظریه‌پردازان اجتماعی براساس تجربه جدید حکم کلی در مورد جامعه صادر می‌کنند، یا بدون ملاحظه فرایندهای بلندمدت در مورد تغییر اجتماعی بحث می‌کنند، محدوداندیشی را بیشتر در معنای مجازی آن یعنی محدوداندیشی در زمان تا مکان، به کار می‌برند».

Social theorists display parochialism in a more metaphorical sense, a parochialism of time rather than place, whenever they generalize about 'society' on the basis of contemporary experience alone, or discuss social change without taking long-term processes into account.

در حالی که این ترجمه به طور واضح و دقیق ترجمه نشده است. براساس متن اصلی شاید بهتر می‌بود در ابتدای متن کلمه «تنها» که در متن اصلی آمده است نیز ترجمه می‌شد و در پایان متن نیز به نظر می‌رسد این ترجمه واضح‌تر است:

«هرگاه نظریه‌پردازان اجتماعی، تنها، براساس تجربه جدید حکم کلی در مورد جامعه صادر می‌کنند، یا بدون ملاحظه فرایندهای بلندمدت در مورد تغییر اجتماعی بحث می‌کنند، محدوداندیشی را بیشتر در معنای مجازی آن یعنی محدوداندیشی در زمان به کار می‌برند نه در مکان». بعد از آن نیز جمله دیگری در متن اصلی است که به نظر می‌رسد یک کلمه به ترجمه آن اضافه شده است.

Sociologists and historians each see the mote in their neighbour'S eye.

این جمله در صفحه ۸ کتاب سطر آخر چنین ترجمه شده است «جامعه‌شناسان و مورخان هرکدام اشتباهات خود را در مقایسه با دیگری کوچک و ناچیز می‌شمارند» در حالیکه در متن اصلی، واژه‌ای هم معنی با «اشتباهات خود» نیامده است. در واقع این دو رشته یکدیگر را نسبت به هم کوچک می‌شمارند نه اشتباهات خود را در مقایسه با دیگری. در ادامه همین جمله در صفحه ۹ متن ترجمه شده، جمله دیگری در متن اصلی آمده است که به نظر مترجم محترم می‌توانست از معادل‌های واضح‌تری استفاده کند.

In Britain, at least, many historians still regard sociologists as people who state the obvious in a barbarous and abstract jargon, lack any sense of place and time, squeeze individuals without mercy into rigid categories and, to cap it all, describe these activities as 'scientific'.

این جمله در متن کتاب چنین ترجمه شده است: «در بریتانیا، حداقل، بسیاری از مورخان هنوز به جامعه‌شناسان به عنوان افرادی می‌نگرند که حقایق آشکار و بدیهی را با کلمات خشک و غیرمصطلح بیان می‌کنند و بدون هیچ گونه درکی از مکان و زمان، افراد را با بیرحمی، زور و اجبار در دسته‌بندی‌های خشک قرار می‌دهند، بدتر از همه اینکه، این فعالیت‌ها را فعالیت‌های علمی توصیف می‌کنند» در حالیکه متن ساده‌تر و دقیق‌تری می‌توانست استفاده شود زیرا با توجه به کلمات در متن اصلی اولاً هماهنگی بیشتری بین کلمات برقرار می‌شد. دوماً امانت‌داری به طور دقیق‌تر رعایت می‌شد. به طور مثال در مقابل کلمه آشکار همانطور که در متن نیز آمده است بهتر بود معادل انتزاعی استفاده می‌شد. دوم اینکه واژه‌های با معنای بدیهی و حقایق در این متن نیامده است درحالیکه در ترجمه اضافه شده است؛ ضمن اینکه معنای آشکار و بدیهی یکسان نیست و شاید منظور نویسنده در اینجا حقایق نباشد بلکه احتمالاً موضوعات مختلف یا همان اصطلاحات است که به جای اینکه به همان صورتی که آشکار است بیان شود به صورت انتزاعی و بیگانه یا همان غیرمصطلح بیان می‌شود.

در صفحه ۱۴ پاراگراف آخر، به نظر می‌رسد یک کلمه در ترجمه اضافه شده است. ترجمه این است: «توکویل، مارکس و اشمولر در ترکیب کردن تئوری با علاقه به جزئیات موقعیت‌های دقیق تاریخی موارد، استثنایی بودند. به نظر می‌رسد اگر این سه کلمه به موقعیت‌های تاریخی خاص (واقعی) ترجمه می‌شد بهتر بود، واژه موارد در ترجمه حاضر اضافی است نه معادلی در متن اصلی دارد نه با کلمه دقیق همخوانی دارد. در متن اصلی این جمله آمده است.

(Tocqueville, Marx and Schmolter were relatively unusual in combining theory with an interest in the details of concrete historical situations).

د- در برخی سطور در متن اصلی که به طور مثال عنوان کتاب‌ها به شکل ایتالیک نوشته شده یا تاریخ انتشار در داخل پرانتز وی معادل فرانسوی آن در پرانتز آمده است، در ترجمه به این شکل رعایت نشده است. از جمله در صفحه ۱۵ نسخه ترجمه شده پاراگراف دوم

سطر چهارم و پنجم عنوان دو کتاب فرهنگ ابتدایی ایتالیک آمده است که در ترجمه برجسته نشده است و در سطر پنجم عنوان کتاب جامعه باستانی که در متن اصلی ایتالیک شده است، در ترجمه هم برجسته نشده هم تاریخ کتاب (۱۸۷۲) ذکر نشده است. در صفحه ۱۵ پاراگراف سوم سطر دوم، مردم طبیعت در متن اصلی معادل فرانسوی آن در متن اصلی آمده است اما در ترجمه فقط واژه انگلیسی آن در پاورقی آمده است. همین‌طور در پاراگراف دوم در ۴ سطر پایانی که نام مقالات ایتالیک یا برجسته شده است در ترجمه رعایت نشده است. در صفحات زیادی این اتفاق افتاده است.

ه- بهتر بود نام اصلی نویسندگانی که در متن اصلی معرفی شده‌اند در پاورقی اضافه می‌شد. به عنوان مثال در متن اصلی نام لوسین لوی برول به شکل فرانسوی در متن آمده است ولی در ترجمه به شکل انگلیسی آمده است.

و- در برخی جملات، ویرایش متن می‌توانست بهتر باشد تا انتقال مطلب سریع‌تر و آسان‌تر انجام شد. به طور مثال صفحه ۱۵ پاراگراف دوم در ۴ سطر پایانی چنین آمده است: «زیگموند فروید همان طور که از مقالاتی مانند توتم و تابو (۱۹۱۳) و آینده‌پندار (۱۹۲۷) که در آن (برای مثال) عقاید فریزز نقش مهمی بازی می‌کند، برمی‌آید، به دلیل تأکید همه جانبه‌اش بر بقای عناصر ابتدایی در روال زنان و مردان متمدن، آخرین مثال از این سنت تکاملی است». شاید بهتر بود اسم فروید در بین دو جمله ذکر می‌شد. یا در صفحه ۴۷ سطر چهارم. «از این رو مسأله عبارت است از یافتن این داده‌های سخت‌افزاری که برای کاربرد آن به عنوان شاخص معتبر داده‌های نرم‌افزاری بتوان بر آن تکیه کرد». شاید بهتر بود به این شکل ساده‌سازی شود «مسأله، پیدا کردن داده‌های سخت‌افزاری است که بتوان از آنها به عنوان شاخصی معتبر برای داده‌های سخت‌افزاری استفاده کرد»

ز- در برخی سطور اسامی صحیح نظریه‌پردازان، ذکر نشده است. به طور مثال صفحه ۳۲ پاراگراف اول نام صحیح sombart معادل سومبارت است که با زومبارت ذکر شده است. همچنین در پاراگراف آخر همین صفحه، نام صحیح اتو هیته که از نظریه‌پردازان مشهور است و حتی نام انگلیسی وی در پاورقی ذکر شده است؛ به فارسی درست ذکر نشده است. اسم صحیح وی، هینتز (Hintz) یا هیته است. همچنین در صفحه ۵۰ پاراگراف دوم به جای جیو وانی لوی، گیو وانی لوی ثبت شده است. نام این نظریه‌پرداز در صفحات دیگر مانند صفحه ۵۳ نیز اشتبهاً گیو وانی لوی ذکر شده است. صفحه ۱۳۹ سطر اول «ولادیمیر پراپ»

در اصل «ولادیمیر پراپ» است. همچنین در صفحه ۱۸۳ سطر ۹ به جای مکتب آنال، آنال ثبت شده است.

ح- برخی کلمات ترجمه فارسی نشده است. مانند صفحه ۴۴ پاراگراف آخر «به هر حال تاریخ کمی یا کلیومتریکی» واژه کلیومتریکی ترجمه نشده است و به همین شکل در متن آمده است.

س- برخی نقایص نگارشی نیز وجود دارد از جمله رعایت نکردن برخی گیومه‌ها که در متن اصلی هست ولی در ترجمه لحاظ نشده است مانند صفحه ۱۴ کتاب دو کلمه «روش مقایسه» که باید در گیومه باشد ولی نیست. یکی از مهم‌ترین موارد جلد کتاب است که در آن به جای ترجمه نوشته شده تألیف غلامرضا جمشیدیها. و در پشت جلد نام خانواگی نویسنده (byrke) آمده است در حالی که نام اصلی وی «burke» است.

در برخی موارد، معادلات داخل پرانتز که در متن اصلی آمده است در ترجمه نیامده است و یا ترجمه دقیقی از آن نشده است. مانند سطر اول از صفحه ۱۴ که در بخش ارزیابی شکلی توضیح داده شد و صفحه ۲۸ پاراگراف قبل از آخر:

In Germany in particular, the two groups are in conflict, with the so-called 'societal historians' (Gesellschafts-historiker) on one side, and the practitioners of 'microhistory' on the other.

قسمت رنگی در متن ترجمه شده موجود نیست، و ترجمه دیگری (Societal historians) در پاورقی برای آن در نظر گرفته شده است، شاید بتوان گفت اشتباه معنایی رخ داده است زیرا این واژه به معنای مورخانی است که جامعه‌ها (جامعه در نظر تونس) را مطالعه می‌کنند نه همه مورخان اجتماعی زیرا در جمله بعد، گروه دیگر را مورخان خرد قلمداد نموده است که در مقابل این گروه هستند، از طرفی نویسنده مخصوصاً از واژه Gesellschaft در داخل پرانتز استفاده نموده است که تخصص این دسته از مورخان را با گروه دیگر نشان دهد. برخی واژه‌ها را با توجه به معنای آن در متن، بهتر می‌توان ترجمه نمود مثلاً عبارت The Rise of Social History در صفحه ۲۱ کتاب به «ظهور تاریخ اجتماعی» ترجمه شده که بهتر بود «رشد تاریخ اجتماعی» ترجمه می‌شد، زیرا ظهور به معنای پیدایش است که قبل از آن هم در صفحات قبلی ظهور تاریخ اجتماعی وجود داشته است. در برخی موارد، این موضوع شدت بیشتری دارد، به طوری که معنای جمله را تغییر می‌دهد و خواننده را با مشکل معنایی مواجه می‌نماید، به طور مثال در فصل دوم در

«جزئی‌نگری اجتماعی» صفحه ۵۲ پاراگراف سوم، جمله These claims of course raise the problem of typicality، چنین ترجمه شده است: «این ادعاها، مسئله گونه‌نمایی را مطرح می‌کند»، یعنی واژه‌ی typicality معادل گونه‌نمایی ترجمه شده است. در حالی که این کلمه، معنای دیگری دارد و نشان دهنده دسته‌بندی یا سنخ‌بندی در یک موضوع است. در حالی که می‌توان آن را به معنی نمونه آورد که در ذهن خواننده مشکل خاصی ایجاد نکند.

ی- به نظر می‌رسد در برخی سطور برخی کلمات می‌توانست معنای دقیق‌تری داشته باشد. برای مثال صفحه ۷۱ پاراگراف آخر چنین ترجمه شده است «مشاجر بر سر تعیین تاریخ شکل‌گیری خانواده هسته‌ای در انگلستان صرفاً یک مسأله مربوط به علاقه به آثار باستانی نیست،...». با توجه به متن اصلی کلمه آثار باستانی به جای «antiquarian» گذاشته شده است. درحالی‌که این واژه به معنای وابسته به قدیم هم معنا می‌دهد و می‌توان آن را علاقه تاریخی هم معنا کرد زیرا شکل‌گیری خانواده هسته‌ای بیشتر یک واقعه تاریخی است تا آثار باستانی. یا در صفحه ۷۶ پاراگراف دوم که در ترجمه اینطور شروع شده است «باید اذعان کرد که مدل مارکس آنقدرها هم که به نظر می‌رسد ساده و واضح نیست،..»

درحالی‌که در متن اصلی پاراگراف به این شکل شروع شده است «It is more worrying that Marx's model is not quite as clear and simple as it looks است این است که»، با «باید اذعان کرد که» ترجمه شده است. در صفحه ۸۹ در زیرتیتر «بنده‌نوازی و رشوه‌گیری» در ترجمه، کلمه «بازتوزیع» در متن اصلی که معادل «redistribution» است با واژه «توزیع» ترجمه شده است. همین‌طور در صفحه ۹۱ در همین زیر تیتر در پاراگراف دوم «وجود رابطه بنده‌نوازی- پیرو» معادل با «patron-client» گرفته شده است. درحالی‌که بهتر بود با روابط حامی- ارباب‌رجوع و مانند آن ترجمه می‌شد. ضمن اینکه کلمه رابطه در متن اصلی جمع بسته شده است و در اینجا به صورت مفرد ترجمه شده است. همچنین در پاراگراف بعدی جمله اول که بیش از سه سطر است دقیق و کامل ترجمه نشده است. «لورنس استون به پیروی از وبلن، در گزارش مشهورش از ولخرجی متظاهرانۀ اشراف تئو و استوارت، مهمان‌نوازی آنها را در قالب تلف‌کردن اموال، یا نیاز به توجیه وجود سالن‌های دارای انعکاس صدا و آپارتمان‌های اشرافی و نیاز به جلوگیری از احساس تنهایی ناشی از خالی‌بودن خانه‌های مجلل توصیف کرده است». متن اصلی این است.

«In his well-known account of the conspicuous consumption of the Tudor and Stuart peerage, Lawrence Stone described their hospitality, following Veblen, essentially in terms of waste, or the need 'to justify the existence of echoing halls and sumptuous state apartments, and to keep at bay the melancholia and loneliness of a half empty mansion»

شاید ترجمه دقیق تر به این شکل بهتر بود «لورنس استون به پیروی از ویبلن، در گزارش مشهورش از ولخرجی متظاهرانۀ اشراف تئو و استوارت، مهمان‌نوازی آنها را در قالب اشراف، یا نیاز به توجیه وجود سالن‌های دارای انعکاس صدا و آپارتمان‌های اشرافی و در خفا نگهداشتن مالیخولیا و تنهایی ناشی از عمارت نیمه‌خالی توصیف کرده است». صفحه ۱۱۰ پاراگراف سوم «معمول‌ترین نوع نهضت‌ها» باید نوع معمول‌تر نهضت‌ها ترجمه می‌شد، زیرا در متن اصلی صفت تفصیلی استفاده شده است نه عالی. صفحه ۱۱۴ اولین سطر «عدم پرداختن به تغییر، در نتیجه فقدان پرداختن به تفاوت (تضاد که هیچ) است». با توجه به متن اصلی آن که در اینجا آمده است، به نظر می‌رسد ترجمه «نپرداختن به تغییر در نتیجه نپرداختن به تفاوت (تضاد که هیچ) است»، بهتر باشد.

«The lack of concern for changes goes with a lack of concern for difference let alone conflict»

صفحه ۱۳۹ پاراگراف دوم سطر ۷ و ۸ بهتر بود به جای همزمانی، واژه همنشینی و به جای ناهمزمانی، واژه جاننشینی آورده می‌شد. زیرا دو مفهوم مهم و معروف در نظریات ساختارگرایانه است

س- در ترجمه متن اصلی برخی ارجاعات داخل کتاب حذف شده است. به طور مثال، در صفحه ۷۲ در زیرتیتر «اجتماع و هویت»، در پاراگراف اول دو قسمت بعد از «همانطور که دیدیم» در سطر ۳ ترجمه، به صفحه ۴۰ ارجاع شده است و در سطر ۷ ترجمه، جایی که آمده است: «همانطور که قبلاً ذکر شد» در متن اصلی به صفحه ۳۹ ارجاع شده است. مترجم می‌توانست داخل پرانتز به جای شماره صفحه ارجاع شده ه تیتیر صفحه را نامبرده اشاره کند. در همین متن بعد از ذکر شماره صفحه در پرانتز بعد از اسم لو رو آلودوری در پرانتز سال مطالعه شده ذکر شده است که در ترجمه نیامده است. در پاراگراف آخر همین تیتیر نیز در متن اصلی به ص ۲۸ کتاب ارجاع شده است که در ترجمه نیامده است.

غ- برخی ایرادات تاییبی نیز در متن مشاهده شده است که تعداد آن بسیار اندک است. از جمله صفحه ۹۴ پاراگراف آخر دیدگاه، اشتباهاً دیدگاه تایپ شده است. همچنین در صفحه ۱۰۸ پاراگراف دوم سطر پنجم مشترکند، مشترکند تایپ شده است. البته از این نوع موارد در ترجمه بسیار محدود است و در حدی نیست که ترجمه را دچار آسیب جدی نماید. در مجموع، این ترجمه از نقایص متعددی برخوردار است که با توجه به امتیازات متعدد اثر، رفع آنها در چاپ بعدی، ضروری به نظر می‌رسد.

۷. نتیجه‌گیری

در این کتاب نویسنده تلاش کرده است همگرایی و گفت‌وگو میان مورخان و نظریه‌پردازان اجتماعی ایجاد کند. وی در این تلاش چنان موفق عمل کرده است که از دید بسیاری از خوانندگان و منتقدان وی نیز دور نمانده است. از جمله خلیفه (۱۳۸۳) که معتقد است کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی، اثری جامع و بدیع در زمینه مباحث جامعه‌شناسی تاریخی است و نویسنده در کمترین صفحات، در حد امکان کلیاتی درباره این رشته بیان نموده و به حق چیزی را فروگذار نکرده است. برک در این کتاب به دو پرسش مهم پاسخ داده است. فایده نظریه اجتماعی برای مورخان چیست؟ و فایده تاریخ برای نظریه‌پردازان اجتماعی چیست؟ برک علیرغم اینکه معتقد است موضوع مطالعه هر دو دسته واحد است، ارتباط آنها با یکدیگر مانند ناشنویان است که صدای یکدیگر را نمی‌شنوند. وی به استفاده‌ی مورخان از مدل‌ها، روش‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی اشاره کرده و سپس برخی از تعارضات فکری بزرگ میان تاریخ و نظریه‌ی اجتماعی، مجموعه‌ای از تباین‌ها و بحث‌های فکری بر سر پیش‌فرضهای فلسفی پرده برمی‌دارد. او در این شش فصل، به روشنی واضح می‌سازد که چگونه استفاده از نظریه‌ی اجتماعی، کار مورخ را تسهیل می‌سازد. او این امر را نقطه قوت نظریه‌ی اجتماعی دانسته و برای آن استدلال می‌کند. برک غنای تاریخ و نظریه اجتماعی را نشان می‌دهد و از فایده‌ی هر دو برای همدیگر دفاع می‌کند، زیرا از نگاه او، تاریخ و نظریه اجتماعی، دو جنبه‌ی متفاوت از یک تلاش علمی هستند.

محتوای کتاب سازگاری مناسبی با پیش‌فرضهای اساسی دارد، زیرا به لحاظ منطقی نویسنده نشان داده است که تاریخ، بخشی از جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی است پس می‌توان مانند نویسنده نتیجه گرفت که تاریخ نیز بخشی از علوم اجتماعی است و همچنین مغایرتی با ارزشهای اسلامی و اصول دینی ندارد. از نظر حجم

مطالب و اطلاعات و دانش منتقل شده، دانشجویان و افراد مبتدی ناآشنا با این علوم می-توانند استفاده‌های تاریخی زیادی از این کتاب داشته باشند. از این جهت این کتاب می‌تواند به عنوان منبع کمک درسی و بهره‌گیری از منابع معتبر آن برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های تحصیلی جامعه‌شناسی و تاریخ پیشنهاد شود. وجود بیش از ۶۰۰ منبع ارزشمند تاریخی و جامعه‌شناسی در کتابشناسی از نکات بسیار ارزشمند دیگر در این کتاب است. همچنین ترجمه روان و کوتاه نسبت به متن سنگین و ثقیل اصلی (صرفنظر از ایرادات آن) نکته قوت دیگر این کتاب است.

پیشنهادات کاربردی

نتیجه بررسی نقادانه کتاب مذکور حاکی از نقاط قوت زیادی است که در بالا به آن اشاره شد. با این حال، برخی نکات به نظر نویسنده آمده است که با رفع آنها در چاپ‌های بعدی، بر غنای علمی آن افزوده خواهد شد:

الف- با تمام ویژگیهای مثبت این کتاب، مطالب آن با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری به عنوان کتاب اصلی در تدریس دروس دانشگاهی مطابقت ندارد و همانطور که قبلاً ذکر شد برای هیچ عنوان درسی، به عنوان کتاب درسی و اصلی، مناسب نیست و کتاب جانبی و کمک درسی شمرده می‌شود.

ب- یکی از نکات مهم در نگارش هر کتاب، بخش نتیجه‌گیری و یا خلاصه هر فصل است که برای خوانندگانی که در نظر دارند، اطلاعاتی کلی و جامع از متن کتاب بدست آورند بسیار سودمند است که متأسفانه در این کتاب در پایان هر فصل، نتیجه‌گیری مخصوص آن فصل ذکر نشده است و خواننده به امید رسیدن به پاسخ سؤالاتی که در ابتدای هر فصل بیان شده تا پایان فصل پیش می‌رود و در انتها به نتیجه‌ای که باید نمی‌رسد و سردرگم می‌ماند. در چاپ بعدی این کمبود نیز قابل رفع است.

ج- انسجام منطقی در مطالب درون هر فصل و بین مطالب فصول مختلف بسیار ضعیف است که این مشکل نیز با کنارهم گذاشتن مطالب مرتبط با هم و مرور دقیق مطالب، رفع شدنی است.

د- رفع ایرادات در ترجمه، ایرادات ویرایشی و نگارشی، به غنای کار می‌افزاید.

ه- اصلاحات درون‌متنی برای دسترسی راحت‌تر خواننده به منابع و به‌روزر بودن منبع‌دهی از ایرادات اساسی کار است که امید است در چاپ بعدی اصلاح گردد.

کتاب‌نامه

- برک، پیتر (۱۳۹۰)، *تاریخ و نظریه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، چ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- برک، پیتر (۱۳۷۸)، *تاریخ و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، انتشارات طرح نو.
- برک، پیتر (۱۳۷۶)، «ضرورت همگرایی جامعه‌شناسی و تاریخ»، ترجمه حسینعلی نوذری، *تاریخ معاصر ایران*، س ۱، ش ۲، صص ۹۳-۱۲۲.
- برک، پیتر (۱۳۸۱)، «کاربرد الگوها، روش‌ها و مفاهیم محوری نظریه اجتماعی در تاریخ»، ترجمه حسینعلی نوذری، *تاریخ معاصر ایران*، س ۶، ش ۲۳، صص ۲۲۹-۲۸۷.
- برک، پیتر (۱۳۹۴)، *تاریخ و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: انتشارات طرح نقد.
- خلیفه، مجتبی (۱۳۸۳)، «نگاهی به کتاب تاریخ و نظریه اجتماعی، نوشته پیتر برک»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۷۹، صص ۱۹-۱۶.
- لیوتار، فرانسوا (۱۳۸۱)، *وضعیت پست‌مدرن: گزارشی درباره دانش*، ترجمه حسینعلی نوذری، چ دوم، تهران، گام نو.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۳)، *ماهیت بین‌رشته‌ای علوم: در ضرورت همکاری و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی*، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال ۸، ش ۳۰، صص ۱۷۲-۱۶۷.

Burke. P. (1996), *History and Social Theory*, Cambridge: Polity Press.